

# راسخون

کد مقاله : 14014 مسیر مقاله : وقف / وقف و ملت ها / ایران



وقف نامه‌ی موقوفات سرداران قزوینی در ایروان

نویسنده: عمادالدین کازرونی

معرفی سند

سند حاضر وقفنامه‌ای است که در تاریخ جمادی‌الاول 1233 به شکل طوماری به طول 184٫5 و عرض 44٫5 سانتی‌متر تنظیم شده است. سند به خط شکسته نستعلیق و بر پنج بند کاغذ فرنگی نوشته شده است. غیر از بندهای ذکر رقیبات و مصارف موقوفه که در میان سطور 20 تا 24 آمده، سند دارای 34 سطر است. از صدر سند تا شروع متن 35 سانتی‌متر فاصله می‌باشد که با تزیین پر شده است. این سند از معدود وقفنامه‌هایی است که بدین سان با گل و بوته تزیین شده است. با توجه به دو مهر سریند اول سند به نظر می‌رسد تزیین آن همزمان یا بعد از سال 1233 انجام شده باشد. اما رقم و تاریخ ذکر شده در میان تزیینات صدر سند «محمدباقر، سنه 1150» می‌باشد.

وقفنامه دارای یک سجل و چهار مهر در بالا و تعداد 12 مهر شهود در حاشیه سمت راست پایین سند می‌باشد. مهر واقفان نیز در سریند و در پایان وقفنامه آمده است. اصل سند متعلق به آقای دکتر خرومی است که چند سال پیش برای تهیه‌ی عکس و کپی در اختیار مجله‌ی وقف میراث جاویدان و بایگانی مرکزی سازمان اوقاف قرار گرفته است.

رونوشت‌هایی از این وقفنامه نیز در آرشیو مرکزی سازمان اوقاف به شماره‌ی لوله 181 و پرونده‌ی 11/م قزوین نگهداری می‌شود.

نام واقفان در این سند محمدحسن خان و محمدحسین خان فرزندان بهرام قلی بیگ قاجار قزوین(1)

ذکر شده است. نوع وقف، خاص و عام است و سه وقفنامه را به این شرح دربر می‌گیرد:

الف. یک ششم از 22 روستا واقع در بلوک سورملو، کرنی وادی و کرنی باسار بر مشهد امام حسین بن علی (ع) در کرپلا وقف شده و درآمد این بخش موقوفه برای روشنایی بقعه‌ی حضرت سیدالشهدا و حضرت عباس (س)، فقرا و ساکنین کرپلا، خدام بقعه، طلاب مدرسه‌ی واقفان در کرپلا، پیش‌نماز و مدرس آن مدرسه و نیز در وجه حق‌التولیه و حافظ وقفنامه اختصاص یافته و تولیت آن برعهده‌ی مجتهد جامع‌الشرایط کرپلا گذاشته شده است.

ب. واقفان سهم مساوی خود از پنج ششم بیست و دو روستا را بر یکدیگر و سپس اولاد ذکور یکدیگر وقف کرده‌اند. تولیت این بخش از موقوفه بعد از واقفان برعهده ارشد اولاد ذکور واقفان است. این نوع وقف که برای جلوگیری از شبهه‌ی وقف بر نفس بدین‌سان شکل گرفته، احتمالاً برای استفاده از معافیت‌های مالیاتی یا حفظ همبستگی میان این دو برادر و خانواده‌ی آنان انجام شده است.

ج. وقف سوم نیز واقفان چهار دانگ قره چهارباغ واقع در قرخلتاغ از نواحی چخور سعد ایروان را بر فقرا، ضعفا، مساکین و ابناءالسبیل کرپلا وقف کرده و تولیت این موقوفه را بعد از خود به مجتهد جامع‌الشرایط کرپلا مفوض کرده‌اند.

زندگی نامه واقفان

1. محمدحسین خان قاجار قزوینی مشهور به سردار ایروانی در حدود سال 1155 ه ق متولد شد. زمانی که فتحعلی شاه استاندار فارس بود، وی یوزباشی غلامان خاصه بود. در سال 1212-1213 در ماجرای به تخت نشستن فتحعلی شاه و نزاع بر سر حکومت، وی سرکرده‌ی سپاه او بود. در سال 1217 حکومت نیشابور و سرداری خراسان برعهده‌ی او گذاشته شد. در سال 1221 به تهران احضار شد و به رتبه‌ی سرداری و سپس‌الارای ارتقا یافت و به سرداری ایروان منصوب شد. وی در جنگ‌های پیاپی میان روس و ایران تا سال 1243 به همراه برادرش محمدحسن خان مشغول نزاع با روس‌ها بود و رشادت‌های بسیار از خود نشان داد. او مجدداً تا سال 1245 حکومت خراسان را برعهده داشت. پس از آن به ریاست ایل بختیاری تعیین شد اما در همین سال در سن 90 سالگی درگذشت. 2. محمدحسن خان سردار ملقب به ساری اصلان (شیر زرد) و معروف به باباخان در بیشتر مسؤولیت‌هایش در خراسان و نیز در نزاع‌های ایران و

روس به همراه برادر بود. در سال 1243 که ایروان پس از چهار ماه محاصره به دست روس‌ها افتاد، پس از پایداری بسیار به دست روس‌ها اسیر، و به تفلیس فرستاده شد.

وی پس از عهدنامه‌ی ترکمن‌چای آزاد، و مجدداً به سرداری خراسان منصوب شد. در سال 1265 به حکومت شهر یزد و پس از آن در سال 1268 حکومت کرمان و بلوچستان نیز بر قلمرو او افزوده شد. محمدحسن خان سرانجام در سال 1271 در کرمان درگذشت. جنازه او به نجف اشرف منتقل شده و در رواق حضرت علی (ع) به خاک سپرده شد. (3) لازم به یادآوری است که رقبای موقوفه‌ی حاضر و نیز تمامی اموال و دارایی‌های این دو برادر شجاع و خیر براساس بند دوازدهم عهدنامه‌ی ننگین ترکمن‌چای مصادره گردیده است. (4)

محمدحسن و محمدحسین خان، سرداران قزوینی علاوه بر موقوفات ایروان، دارای موقوفات دیگری نیز هستند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد: **مسجد، مدرسه و کتابخانه‌ی حسن خان سردار در کرپلا** این مدرسه به همراه یک مسجد و کتابخانه‌ی عمومی در سال 1180 هجری بنا شده است. مدرسه در شما باروی صحن مطهر، در نزدیکی یکی از دروازه‌های ورودی صحن و در آغاز بازار بزرگ کرپلا قرار دارد. این مدرسه از شهرت فراوانی در تاریخ کرپلا برخوردار است؛ زیرا بزرگترین مدرسه دینی کرپلا تا سال‌های اخیر بوده و ساختمان آن از زیبایی خاصی از لحاظ مهندسی و کاشی‌کاری‌های نفیس برخوردار است. این کاشی‌ها که بر آنها آیات قرآن و احادیث نوشته شده بود بر سردر ورودی و گرداگرد مدرسه دیده می‌شد. این مدرسه دارای موقوفات بسیار زیادی بود که از محل درآمد آنها مخارج مدرسه و کمک‌های مالی به طلاب تأمین می‌شد. ساختمان مدرسه متجاوز از یک قرن مورد استفاده‌ی حوزه‌ی علمیه و طلاب علوم دینی در کرپلا بوده و در این سال‌ها صدها نفر در آنجا به درس و آموزش مشغول بوده‌اند. بعضی از مورخین آورده‌اند که سید جمال‌الدین اسدآبادی مدتی در این مدرسه به تحصیل پرداخته است [تراث کرپلا، ص 202] در 16 محرم سال 1368 هجری بخش عمده‌ی این مدرسه به همراه موقوفات آن که عبارت از تعداد فراوانی مغازه بود بر اثر توسعه‌ی فلکه‌ی اطراف حرم تخریب شد. در همین تاریخ باقی مانده‌ی زمین مدرسه به همت نیکوکاران و علمای دین بازسازی شد و تا سال‌های اخیر پیش از حوادث سال 1412 هجری پا برجا بود. (5) این مسجد و مدرسه اگرچه به نام محمدحسن خان سردار شهرت دارد اما به تصریح وقف‌نامه‌ی حاضر توسط هر دو برادر ساخته شده است (سطر 27).

#### آب انبار سردار در قزوین

در انتهای جنوبی محله‌ی قملاق و به فاصله‌ی کمی در شمال غربی سلطان سید محمد، روبه روی مدرسه‌ای به همین نام واقع شده و یکی از آب‌انبارهای مهم قزوین به شمار می‌رود و از حیث عظمت بنا و ظرافت ساختمان در ردیف آب‌انبار حاج کاظم است. از بالا تا پایین 37 پله دارد که چهار شیر در آن به کار رفته، انبار آن مسقف به چهار گنبد و چهار بادگیر یا بخارکش است ازاره‌ی پلکانش تمام سنگ و نمایش با آجرهای کاشی‌ترین یافته است. این آب‌انبار دارای کتیبه‌ای بوده است که چند بیت آن نقل می‌شود:

... به یاد تشنه لب کرپلا حسین شهید  
امیر مشرق و مغرب امام جن و بشر  
سزد که خطه‌ی قزوین از او به خود نازد  
چنان که ساحت جنت ز چشمه‌ی کوثر  
... تمام گشت چو این برکه در جهان شد طاق  
کشیده صف پی پاداش قدسیان یک سر  
چو مایل از پی تاریخ در دعا گفتند  
نصیب باد به هریک ز زمزم و کوثر (6) (1229)

#### آب انبار سردار در قزوین

این آب‌انبار در بی‌آب‌ترین محلات شهر یعنی محله‌ی راه ری بنا شده و اکنون در کنار خیابان سپه در بخش باختری آن واقع گردیده است. این آبگیر عظیم دارای یک طاق است و ابعاد آن عبارت است از 16 ذرع درازا و 16 ذرع پهنا و 16 ذرع گودی که مجموع ابعاد آن چهار هزار و نود و شش ذرع مکعب می‌شود. در وسط طاق بزرگ از خارج یک گنبد مخروطی کوچک از کاشی فیروزه نظیر همان که در مسجد سردار بنا شده است ساخته‌اند. این آب انبار 48 پله دارد اما روسازی و نماسازی نشده و کتیبه‌ای ندارد. (7)

#### قنات سردار در تهران

بیشتر به نام «آب سردار» معروف است و هنوز هم جریان دارد از اراضی نارمک سرچشمه می‌گرفت در امتداد محل کنونی خیابان نارمک پایین می‌آمد پس از به کار انداختن آسیاب سردار در عمق 8 متری ظاهر شده، خیابان سردار را قطع می‌کرد و پس از کمی انحراف وارد قسمت غربی خیابان نارمک می‌شد و به سمت جنوب جریان می‌یافت. در حدود خیابان زرین نعل دو رشته می‌شد؛ یک رشته آن به سمت جنوب می‌رفت و پس از قطع خیابان خورشید در عمق 3ر5 متری در شمال خیابان ژاله (شهدا)، نبش خیابان عین‌الدوله (ایران) ظاهر می‌شد (و می‌شود). رشته‌ی دیگر در امتداد محل خیابان زرین نعل به سمت مشرق جریان می‌یافت خیابان 17 شهرویر را در مقابل محل کارخانه برق در عمق 2ر5 متری قطع می‌کرد، از زیر کارخانه می‌گذشت و در یک صد متر شرق میدان ژاله (شهدا) به طرف جنوب می‌رفت و در اکبرآباد ظاهر می‌شد. این قنات در بهار بین 5 تا 6 سنگ و در پاییز در حدود 4 تا 4ر5 سنگ آب داشت که بعدها به سه سنگ آب کاهش یافت. (8)

مسجد مدرسه‌ی سردار در قزوین

این مدرسه در محله‌ی دیمج روبه روی آب‌انبار سردار واقع شده و یکی از مدارس زیبا و ممتاز قزوین است.

شکل هندسی آن مربع مستطیل و تقریباً به طول 60 و عرض 40 ذرع است که 2400 ذرع می‌شود. ساختمان آن دو اشکوبه، ازاره‌ی آن با سنگ و بقیه با آجر تراش ساخته شده و با کاشی‌های رنگارنگ تزیین یافته است. حجرات آن در دو جانب خاور و باختر مدرسه بنا گردیده به این ترتیب که در وسط، یک مدرس یا حجره بزرگ است و در دو طرف آن دو گوشواره‌ی باریک قرار دارد که راهرو اشکوب دوم می‌باشد. روی هم رفته این مدرسه دارای 32 باب حجره است. در جنوب مدرسه و متصل به این مهتابی، مسجدی است که طول آن (از شرق به غرب) 36 و عرض آن 12 ذرع است و سقف آن در روی سه طاق آجری قرار دارد. در بالای طاق وسطی که بزرگتر از دو طاق دیگر است از خارج گنبد مخروطی شکل کوچکی با کاشی فیروزه‌ای بنا شده است.

در کتیبه‌ی سر در مدرسه اشعاری به خط نستعلیق ممتاز در سنگ مرمر نقر شده است. سه بیت از این کتیبه آورده می‌شود:

... دو کامیاب دلاور دو شیر گیر دلیر

که روز جنگ گریزد ز چنگشان رستم

... خجسته مدرسه‌ای دلگشا بنا کردند

که دلکش است و فرحبخش همچو باغ ارم

رقم زد از پی سال عمارتش خازن

اساس کعبه‌ی دین گشت زین بنا محکم (1231/9)

از پرونده‌های مربوط به سرداران قزوینی در بایگانی مرکزی سازمان اوقاف و امور خیریه‌ی تهران نیز این موقوفات شناخته می‌شود:

1. وقفی خاص به تاریخ 1231 ه ق که از حیث نوع وقف مشابه وقف‌نامه‌ی ایروان است و طی آن این دو برادر **10 روستا در بلوک دشتی، اشتیارد و بلوک زهرا** را بر یکدیگر وقف کرده‌اند.

2. 15.2 دانگ از شش دانگ **کاروان‌سرای حاجی رحیم واقع در بازار قزوین** برای مخارج ضروری مدرسه‌ی سردار نیز تعزیه‌داری در آن سال 1240 ه ق وقف شده است (پرونده‌ی شماره‌ی 11 / م قزوین).

3. یک باب **حمام واقع در محله‌ی گوسفند قزوین و در گذر سرکلک و نیز سه دانگ محل میز قریه‌ی کهک** بر مسجد و مدرسه‌ی سردار در محله‌ی قملان به تاریخ 1231 ه ق وقف شده است. (پرونده‌ی شماره‌ی 11/ م قزوین).

4. حکم تولیتی به تاریخ 1281 ه ق از محمد **یوسف بن محمدحسن خان** موجود است و طی آن به موقوفه‌ی محمدحسن خان سردار در شهر مشهد برای مصارف مقبره‌ی پدر واقع در **دارالحفاظ** اختصاص یافته، اشاره شده است. موقوفه عبارت از 39.5 سهم از یک **تیمچه‌ی شش دانگی واقع در راسته‌ی بازار سرپوشیده است که به محله‌ی سرشور در محله‌ی قیصریه** منتهی می‌گردد (لوله‌ی شماره‌ی 148).

در پایان نیز به یکی دیگر از بناهای منسوب به سرداران قزوینی که در شهر تهران واقع شده و به **باغ سردار** مشهور بوده، اشاره می‌شود. حدود کلی این باغ به این شرح بوده است:

پیاده‌روی جنوبی خیابان ژاله از سه‌راه آن تا چهارراه آب سردار (چهارراه خیابان ایران) حدود 140 تا 160 سال پیش ضلع شمالی باغی بود که ضلع شرقی آن از چهار راه خیابان ایران تا سه راه امین حضور و ضلع جنوبی آن از سه‌راه امین حضور تا چهارراه سرچشمه (چهارراه سیروس که آن روزها این قسمت از خیابان سیروس به خیابان نظامیه معروف بود) و ضلع غربی آن از چهارراه سرچشمه تا سه‌راه ژاله (در امتداد خیابان بهارستان کنونی) قرار داشت. (10)

متن وقف نامه

1/ هو الواقف علي الضمار والمطلع علي السراير

2/ بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

3/ حمدي که واقفان موافق اخلاص و سالکان مسالک اختصاص، در پیشگاه بارگاه مقربان حضرت، به معرض عرض کشانند، و شکری که معتکفان درگاه الوهیت و محرمان دستگاه ربوبیت به مرتبه‌ی قبول رسانند، حضرت واقف السرايري را زیباست که لباس سعادت اساس / 4 توفیق به اندام فیروزبختان دوخته، و چراغ تأیید یافتگان را به روغن ملاطفت خو، افروخته؛ چمن احوال ارباب سداد را به منصه‌ی خرمی رسانیده و گلشن حال اهل فلاح را از نسایم الطاف به نظارت مقرون گردانیده؛ آفتاب مکرمت خود را / 5 پرتوافکن اهل توفیق نموده؛ و ماه مرحمت خویش را از جیب احوال اصحاب تأیید، طالع فرموده؛ مفتاح ابواب سعادت سرمديه را به کف کفایت ایشان نهاده و کلید فیوضات غیبیه را به ید آنها داده؛ گلبرگ تری از شبنم احسانش تازه / 6 و عندلیب چمن از بهار پیرایه مکرمتش خوش‌آوازه است. ثور، گاو کاری است از مزرع قدرتش. سنبله، خوشه‌ای از خرمن حکمتش. چرخ پیر در مزرعه‌ی بندگی‌اش دهقان کهن اساس؛ و ماه نو در دست زارعان صنعش داس، از رود / 7 دل روشن ضمیران، آب زلال حکمت

به اراضی معرفت جریان داده، و از چشم چشمه‌ساران، آبهای فراوان گشاده؛

مر او را رسد کبریا و منی

که ملکش قدیم است و ذاتش غنی

چون ز وجودش کرم آباد شد

بند وجود از عدم آزاد شد

در هوس این دو سه ویرانه ده

کار فلک بوده گره بر گره

تا نگشود این کرم وهم‌سوز

زلف شب ایمن نشد از دست روز

جل جلاله و عم نواله. و مزارع درود خجسته ورود، وقف بارگاه جلال رسول بی‌همالی است / 8 که کاخ ایمان به دعایم رسالت او بریاست؛ و اساس اسلام به قوت نبوت او برجا. با رفعت مکانش، عرش، پست‌ترین پایه و باعلو شأنش، کیوان، خاک نشین بند بی‌مایه. (والشمس والضحی) حسن‌آبادی از حسن جمالش / 9.

(و ینصرک الله نصرا عزیزا) ناصرآبادی از مملکت اقبالش.

ای شرف مظهر روح‌الامین

عرش ز اقبال تو کرسی نشین

مکه ز فیض نظرت یافت زیب

طیبه ز گرد قدمت یافت طیب

چشمه‌ی زمزم نمکین از تو شد

10/ کنیت جبریل امین از تو شد

فیض سحر، نکهت صحرائی تو

زهره، عمارتی کش زهرای تو

ملک دلم همچو فدک مال اوست

تاج سرم خاک ره آل اوست.

و صلات صلوات بر آل طیبین و ذریه‌ی طاهرین او باد / 11. که ملک امامت، وقف آن اولاد است و ولایت ولایت ملک. موروثی آن عترت امجاد؛ خصوصا امام والامقایی که ریاحین محبت او در دلها تا روز نشور حضرت ده جانهاست، و آب حیات مودتش در حدایق قلوب، جانبخش روانها. / 12. ارقام دقایق حقایق در دفاتر اوراق نگاشته‌ی اوست، و بذور معارف و عوارف در دلها کاشته‌ی او؛ بوستان شرع دین به آبیاری میراب ارشاد او خرم‌آباد است و گلشن ملت حنیفه‌ی اسلامیة از رشحات سبحان افادات او / 13 چون گلستان ارم بنیاد؛ صلوات الله علیهم اجمعین.

و بعد از حمد الهی و درود حضرت رسالت پناهی - صلی الله علیه و آله - بر عاقل بصیر و هوشمند خبیر، پوشیده نیست که معمار ازل، کالبد بشر را بی‌نیات / 14 ریخته و خالق انس و جان، وجود ایشان را از اجزای متضاده به هم آمیخته؛ همه کس را لباس حیات به عاریت داده‌اند و منشور عمر هر فردی را طغرای اجلی در عنوان نهاده‌اند؛ افاصلی و ادانی چون موج آب همگی در بحر فنا غوطه‌ورند / 15 و وضع و شریفی جملگی بالمآل خاک و خاکسترند. سلطنت و پادشاهی، منع نزول قضا نمی‌نماید و حکومت و سرداری به سرداری تیغ قدر، بال همت نمی‌گشاید. در این عبرت‌سرا زخارف دنیا موج سراب و نقش بر آب است.

16 / لهذا سبب از تحریر این کلمات شرعیة المقدمات، آن است که در تاریخ ذیل کتاب، عالی جاهان رفیع و منیع جایگاهان عظمت و حشمت دستگهان ابهت و جلالت ابتناهان بسالت و نبالت انتماهان فتوت و مروت همراهان / 17 جامعان مکارم دنیوی و اخروی و حاویان محاسن صوری و معنوی، کامل نصابان سعادات یزدانی و صاحب نصیبان توفیقات دو جهانی، امیرالامراء العظامان، مقرران الحضرت العلیة العالیة و معتمدان الدولة البهیة من الافات والبلیات - خلف الصدقان مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه، متکی ارایک جنان، بهرام قلبی بیگ قاجار قزوین / 19 خواهشمند وفقیت املاک و مزارعاتی که در بلده‌ی چخور سعد ایروان برخی را مجدداً احداث و احیا و بعضی را به موافق شرع شریف غرا ابتیاع کرده بودند و بلانزاع و مساهمت غیر در تصرف داشتند، بوده بنا بر استشار و استصواب امنای شرع، / 20 قربتا الی الله و طلبا لمرضاته، وقف مؤید و حبس مخلص صحیح شرعی نمودند، تمامی و همگی و جملگی یک دانگ از جمله‌ی شش دانگ از کل قرای مفصله‌ی ذیل را با جمیع توابع و کافه‌ی لواحق از اراضی و صحاری آبی و دیمی، بحیث لایستثنی منها شیء به عتبه‌ی علیه و مشهد مقدس جناب خامس آل عبا.

از جمله‌ی املاک واقعه در بلوک سورملو که حدود همگی در تفصیل ذیل مشخص و معین می‌گردد:

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی حاجی‌آباد مشهور به داش بورون یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی سرهنگ آباد یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به جنت‌آباد مشهور به پروانه یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی سیلمان آباد مشهور به دیزج یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به علی‌آباد علیا مشهور به علی خان یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به علی‌آباد سفلی مشهور به نظرعلی قشلاپی یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به حسن‌آباد مشهور به داش قراقوینلو یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به نظرآباد مشهور به داش مسیوکلو یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به کمال‌آباد که من جمله‌ی منضمات نظرآباد است یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به نظام‌آباد مشهور به میرزا چوبوقچی یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به فیض‌آباد که من جمله‌ی منضمات تاش مسیوکلوست یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به شریف‌آباد مشهور به مسیوکلو یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به ناصرآباد مشهور به قوشچی یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به کلی چه یک دانگ.

از جمله‌ی املاک ابتیاعی واقعه در بلوک کرنی وادی که مدار زراعت ایشان از ارس مشروب می‌شود:

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی سردارآباد مشهور به قمشلو یک دانگ.

پی نوشت :

- 1- نام پدر واقفان در منابع تاریخی دوره‌ی قاجار و نیز در سند شماره لوله‌ی 148 بایگانی مرکزی سازمان اوقاف به صورت **محمدخان سردار ابروانی** آمده است.
- 2- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، 1371، ج 1، صص 329-332.
- 3- همان، صص 404-401.
- 4- طباطبایی مجد، غلامرضا، معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره‌ی قاجار، تهران، بنیاد موقوفات افشار، 1373، ص 133.
- 5- انصاری قمی، محمدرضا، «موقوفات ایرانیان در عراق، بخش سوم، کربلا» وقف، میراث جاویدان، ش 7، پاییز 1373، ص 82.
- 6- گلریز، سید محمدعلی، مینودر یا باب الجنه‌ی قزوین، تهران، دانشگاه تهران، 1337، ص 278.
- 7- همان، ص 279.
- 8- معتمدی، محسن، «آب تهران، تاریخچه، مشکلات و راه‌حل‌ها»، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال چهارم، ش 1، شهریور 1369، ص 54.
- 9- گلریز، همان، صص 565-571.
- 10- انوار، عبدالله، «باغ سردار» کتاب تهران، ج 1، تهران، روشنگران، 1370، ص 36.

منبع: میراث جاویدان

وقف نامه‌ی موقوفات سرداران قزوینی در ابروان

وقف نامه‌ی موقوفات سرداران قزوینی در ابروان

نویسنده: عمادالدین کازرونی

معرفی سند

سند حاضر وقفنامه‌ای است که در تاریخ جمادی‌الاول 1233 به شکل طوماری به طول 184/5 و عرض 44/5 سانتی‌متر تنظیم شده است. سند به خط شکسته نستعلیق و بر پنج بند کاغذ فرنگی نوشته شده است. غیر از بندهای ذکر رقبات و مصارف موقوفه که در میان سطور 20 تا 24 آمده، سند دارای 34 سطر است. از صدر سند تا شروع متن 35 سانتی‌متر فاصله می‌باشد که با تزیین پر شده است. این سند از معدود وقفنامه‌هایی است که بدین سان با گل و بوته تزیین شده است. با توجه به دو مهر سریند اول سند به نظر می‌رسد تزیین آن همزمان یا بعد از سال 1233 انجام شده باشد. اما رقم و تاریخ ذکر شده در میان تزیینات صدر سند «محمدباقر، سنه 1150» می‌باشد.

وقفنامه دارای یک سجد و چهار مهر در بالا و تعداد 12 مهر شهود در حاشیه سمت راست پایین سند می‌باشد. مهر واقفان نیز در سریند و در پایان وقفنامه آمده است. اصل سند متعلق به آقای دکتر خرومی است که چند سال پیش برای تهیه‌ی عکس و کپی در اختیار مجله‌ی وقف میراث جاویدان و بایگانی مرکزی سازمان اوقاف قرار گرفته است.

رونوشت‌هایی از این وقفنامه نیز در آرشیو مرکزی سازمان اوقاف به شماره‌ی لوله 181 و پرونده‌ی 11/م قزوین نگهداری می‌شود.

نام واقفان در این سند محمدحسین خان و محمدحسین خان فرزندان بهرام قلی بیگ قاجار قزوین(1)

ذکر شده است. نوع وقف، خاص و عام است و سه وقفنامه را به این شرح دربر می‌گیرد:

الف. یک ششم از 22 روستا واقع در بلوک سورملو، کرنی وادی و کرنی باسار بر مشهد امام حسین بن علی (ع) در کربلا وقف شده و درآمد این بخش موقوفه برای روشنایی بقعه‌ی حضرت سیدالشهدا و حضرت عباس (س)، فقرا و ساکنین کربلا، خدام بقعه، طلاب مدرسه‌ی واقفان در کربلا، پیش‌نماز و مدرس آن مدرسه و نیز در وجه حق‌التولیه و حافظ وقفنامه اختصاص یافته و تولید آن برعهده‌ی مجتهد جامع‌الشرایط کربلا گذاشته شده است.

ب. واقفان سهم مساوی خود از پنج ششم بیست و دو روستا را بر یکدیگر و سپس اولاد ذکور یکدیگر وقف کرده‌اند. تولید این بخش از موقوفه بعد از واقفان برعهده ارشد اولاد ذکور واقفان است. این نوع وقف که برای جلوگیری از شبهه‌ی وقف بر نفس بدین‌سان شکل گرفته، احتمالاً برای استفاده از معافیت‌های مالیاتی یا حفظ همبستگی میان این دو برادر و خانواده‌ی آنان انجام شده است.

ج. وقف سوم نیز واقفان چهار دانگ قریه چهارباغ واقع در فرختلاغ از نواحی چخور سعد ابروان را بر فقرا، ضعفا، مساکین و ابناء‌السبیل کربلا وقف کرده و تولید این موقوفه را بعد از خود به مجتهد جامع‌الشرایط کربلا مفوض کرده‌اند.

زندگی نامه واقفان

1. محمدحسین خان قاجار قزوینی مشهور به سردار ابروانی در حدود سال 1155 ه ق متولد شد. زمانی که فتحعلی شاه استاندار فارس بود، وی یوزباشی غلامان خاصه بود. در سال 1212-1213 در ماجرای به تخت نشستن فتحعلی شاه و نزاع بر سر حکومت، وی سرکرده‌ی سپاه او بود. در سال 1217 حکومت نیشابور و سرداری خراسان بر عهده‌ی او گذاشته شد. در سال 1221 به تهران احضار شد و به رتبه‌ی سرداری و سپهسالاری ارتقا یافت و به سرداری ابروان منصوب شد. وی در جنگ‌های پیاپی میان روس و ایران تا سال 1243 به همراه برادرش محمدحسین خان مشغول نزاع با روس‌ها بود و رشادت‌های بسیار از خود نشان داد. او مجدداً تا سال 1245 حکومت خراسان را برعهده داشت. پس از آن به ریاست ایل بختیاری تعیین شد اما در همین سال در سن 90 سالگی درگذشت(2). محمدحسین خان سردار ملقب به ساری اصلان (شیر زرد) و معروف به باباخان در بیشتر مسؤولیت‌هایش در خراسان و نیز در نزاع‌های ایران و

روس به همراه برادر بود. در سال 1243 که ایروان پس از چهار ماه محاصره به دست روس‌ها افتاد، پس از پایداری بسیار به دست روس‌ها اسیر، و به تفلیس فرستاده شد.

وی پس از عهدنامه‌ی ترکمن‌چای آزاد، و مجدداً به سرداری خراسان منصوب شد. در سال 1265 به حکومت شهر یزد و پس از آن در سال 1268 حکومت کرمان و بلوچستان نیز بر قلمرو او افزوده شد. محمدحسن خان سرانجام در سال 1271 در کرمان درگذشت. جنازه او به نجف اشرف منتقل شده و در رواق حضرت علی (ع) به خاک سپرده شد. (3) لازم به یادآوری است که رقبای موقوفه‌ی حاضر و نیز تمامی اموال و دارایی‌های این دو برادر شجاع و خیر براساس بند دوازدهم عهدنامه‌ی ننگین ترکمن‌چای مصادره گردیده است. (4)

محمدحسن و محمدحسین خان، سرداران قزوینی علاوه بر موقوفات ایروان، دارای موقوفات دیگری نیز هستند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد: مسجد، مدرسه و کتابخانه‌ی حسن خان سردار در کرلایین مدرسه به همراه یک مسجد و کتابخانه‌ی عمومی در سال 1180 هجری بنا شده است. مدرسه در شما باروی صحن مطهر، در نزدیکی یکی از دروازه‌های ورودی صحن و در آغاز بازار بزرگ کرلای قرار دارد. این مدرسه از شهرت فراوانی در تاریخ کرلای برخوردار است؛ زیرا بزرگترین مدرسه دینی کرلای تا سال‌های اخیر بوده و ساختمان آن از زیبایی خاصی از لحاظ مهندسی و کاشی‌کاری‌های نفیس برخوردار است. این کاشی‌ها که بر آنها آیات قرآن و احادیث نوشته شده بود بر سردر ورودی و گرداگرد مدرسه دیده می‌شد. این مدرسه دارای موقوفات بسیار زیادی بود که از محل درآمد آنها مخارج مدرسه و کمک‌های مالی به طلاب تأمین می‌شد. ساختمان مدرسه متجاوز از یک قرن مورد استفاده‌ی حوزه‌ی علمیه و طلاب علوم دینی در کرلای بوده و در این سال‌ها صدها نفر در آنجا به درس و آموزش مشغول بوده‌اند. بعضی از مورخین آورده‌اند که سید جمال‌الدین اسدآبادی مدتی در این مدرسه به تحصیل پرداخته است [تراث کرلای، ص 202] در 16 محرم سال 1368 هجری بخش عمده‌ی این مدرسه به همراه موقوفات آن که عبارت از تعداد فراوانی مغازه بود بر اثر توسعه‌ی فلکه‌ی اطراف حرم تخریب شد. در همین تاریخ باقی مانده‌ی زمین مدرسه به همت نیکوکاران و علمای دین بازسازی شد و تا سال‌های اخیر پیش از حوادث سال 1412 هجری پا برجا بود. (5) این مسجد و مدرسه اگرچه به نام محمدحسن خان سردار شهرت دارد اما به تصریح وقف‌نامه‌ی حاضر توسط هر دو برادر ساخته شده است (سطر 27).

آب انبار سردار در قزوین

در انتهای جنوبی محله‌ی قملاق و به فاصله‌ی کمی در شمال غربی سلطان سید محمد، روبه روی مدرسه‌ای به همین نام واقع شده و یکی از آب‌انبارهای مهم قزوین به شمار می‌رود و از حیث عظمت بنا و ظرافت ساختمان در ردیف آب‌انبار حاج کاظم است. از بالا تا پایین 37 پله دارد که چهار شیر در آن به کار رفته، انبار آن مسقف به چهار گنبد و چهار بادگیر یا بخارکش است ازاره‌ی پلکانش تمام سنگ و نمایش با آجرهای کاشی‌ترین یافته است. این آب‌انبار دارای کتیبه‌ای بوده است که چند بیت آن نقل می‌شود:

... به یاد تشنه لب کرلای حسین شهید  
امیر مشرق و مغرب امام جن و بشر  
سزد که خطه‌ی قزوین از او به خود نازد  
چنان که ساحت جنت ز چشمه‌ی کوثر  
... تمام گشت چو این برکه در جهان شد طاق  
کشیده صف پی پاداش قدسیان یک سر  
چو مایل از پی تاریخ در دعا گفتند  
نصیب باد به هریک ز زمزم و کوثر (6) (1229)

آب انبار سردار در قزوین

این آب‌انبار در بی‌آب‌ترین محلات شهر یعنی محله‌ی راه ری بنا شده و اکنون در کنار خیابان سپه در بخش باختری آن واقع گردیده است. این آبگیر عظیم دارای یک طاق است و ابعاد آن عبارت است از 16 ذرع درازا و 16 ذرع پهنا و 16 ذرع گودی که مجموع ابعاد آن چهار هزار و نود و شش ذرع مکعب می‌شود. در وسط طاق بزرگ از خارج یک گنبد مخروطی کوچک از کاشی فیروزه نظیر همان که در مسجد سردار بنا شده است ساخته‌اند. این آب انبار 48 پله دارد اما روسازی و نماسازی نشده و کتیبه‌ای ندارد. (7)

قنات سردار در تهران

بیشتر به نام «آب سردار» معروف است و هنوز هم جریان دارد از اراضی نارمک سرچشمه می‌گرفت در امتداد محل کنونی خیابان نارمک پایین می‌آمد پس از به کار انداختن آسیاب سردار در عمق 8 متری ظاهر شده، خیابان سردار را قطع می‌کرد و پس از کمی انحراف وارد قسمت غربی خیابان نارمک می‌شد و به سمت جنوب جریان می‌یافت. در حدود خیابان زرین نعل دو رشته می‌شد؛ یک رشته آن به سمت جنوب می‌رفت و پس از قطع خیابان خورشید در عمق 3/5 متری در شمال خیابان ژاله (شهدا)، نبش خیابان عین‌الدوله (ایران) ظاهر می‌شد (و می‌شود). رشته‌ی دیگر در امتداد محل خیابان زرین نعل به سمت مشرق جریان می‌یافت خیابان 17 شهرویر را در مقابل محل کارخانه برق در عمق 2/5 متری قطع می‌کرد، از زیر کارخانه می‌گذشت و در یک صد متر شرق میدان ژاله (شهدا) به طرف جنوب می‌رفت و در اکبرآباد ظاهر می‌شد. این قنات در بهار بین 5 تا 6 سنگ و در پاییز در حدود 4 تا 4/5 سنگ آب داشت که بعدها به سه سنگ آب کاهش یافت. (8)

مسجد مدرسه‌ی سردار در قزوین

این مدرسه در محله‌ی دیمج روبه روی آب‌انبار سردار واقع شده و یکی از مدارس زیبا و ممتاز قزوین است.

شکل هندسی آن مربع مستطیل و تقریباً به طول 60 و عرض 40 ذرع است که 2400 ذرع می‌شود. ساختمان آن دو اشکوبه، ازاره‌ی آن با سنگ و بقیه با آجر تراش ساخته شده و با کاشی‌های رنگارنگ تزیین یافته است. حجرات آن در دو جانب خاور و باختر مدرسه بنا گردیده به این ترتیب که در وسط، یک مدرس یا حجره‌ی بزرگ است و در دو طرف آن دو گوشواره‌ی باریک قرار دارد که راهرو اشکوب دوم می‌باشد. روی هم رفته این مدرسه دارای 32 باب حجره است. در جنوب مدرسه و متصل به این مهتابی، مسجدی است که طول آن (از شرق به غرب) 36 و عرض آن 12 ذرع است و سقف آن در روی سه طاق آجری قرار دارد. در بالای طاق وسطی که بزرگتر از دو طاق دیگر است از خارج گنبد مخروطی شکل کوچکی با کاشی فیروزه‌ای بنا شده است.

در کتیبه‌ی سر در مدرسه اشعاری به خط نستعلیق ممتاز در سنگ مرمر نقر شده است. سه بیت از این کتیبه آورده می‌شود:

... دو کامیاب دلاور دو شیر گیر دلیر

که روز جنگ گریزد ز چنگشان رستم

... خجسته مدرسه‌ای دلگشا بنا کردند

که دلکش است و فرحبخش همچو باغ ارم

رقم زد از پی سال عمارتش خازن

اساس کعبه‌ی دین گشت زین بنا محکم (9(1231)

از پرونده‌های مربوط به سرداران قزوینی در بایگانی مرکزی سازمان اوقاف و امور خیریه‌ی تهران نیز این موقوفات شناخته می‌شود:

1. وقفی خاص به تاریخ 1231 ه ق که از حیث نوع وقف مشابه وقف‌نامه‌ی ایروان است و طی آن این دو برادر 10 روستا در بلوک دشتبی، اشتهاورد و بلوک زهرا را بر یکدیگر وقف کرده‌اند.

2. 1ر5.2 دانگ از شش دانگ کاروان‌سرای حاجی رحیم واقع در بازار قزوین برای مخارج ضروری مدرسه‌ی سردار نیز تعزیه‌داری در آن سال 1240 ه ق وقف شده است (پرونده‌ی شماره‌ی 11 / م قزوین).

3. یک باب حمام واقع در محله‌ی گوسفند قزوین و در گذر سرکلک و نیز سه دانگ محل میذر قریه‌ی کهک بر مسجد و مدرسه‌ی سردار در محله‌ی قملان به تاریخ 1231 ه ق وقف شده است. (پرونده‌ی شماره‌ی 11/ م قزوین).

4. حکم تولیتی به تاریخ 1281 ه ق از محمد یوسف بن محمدحسن خان موجود است و طی آن به موقوفه‌ی محمدحسن خان سردار در شهر مشهد برای مصارف مقبره‌ی پدر واقع در دارالحفاظ اختصاص یافته، اشاره شده است. موقوفه عبارت از 39ر5 سهم از یک تیمچه‌ی شش دانگی واقع در راسته‌ی بازار سرپوشیده است که به محله‌ی سرشور در محله‌ی قیصریه منتهی می‌گردد (لوله‌ی شماره‌ی 148).

در پایان نیز به یکی دیگر از بناهای منسوب به سرداران قزوینی که در شهر تهران واقع شده و به باغ سردار مشهور بوده، اشاره می‌شود. حدود کلی این باغ به این شرح بوده است:

پیاده‌روی جنوبی خیابان ژاله از سه‌راه آن تا چهارراه آب سردار (چهارراه خیابان ایران) حدود 140 تا 160 سال پیش ضلع شمالی باغی بود که ضلع شرقی آن از چهار راه خیابان ایران تا سه راه امین حضور و ضلع جنوبی آن از سه‌راه امین حضور تا چهارراه سرچشمه (چهارراه سیروس که آن روزها این قسمت از خیابان سیروس به خیابان نظامیه معروف بود) و ضلع غربی آن از چهارراه سرچشمه تا سه‌راه ژاله (در امتداد خیابان بهارستان کنونی) قرار داشت. (10)

متن وقف نامه

1/ هو الواقف علي الضمار والمطلع علي السراير

2/ بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

3/ حمدي که واقفان موافق اخلاص و سالکان مسالک اختصاص، در پیشگاه بارگاه مقربان حضرت، به معرض عرض کشانند، و شکری که معتکفان درگاه الوهیت و محرمان دستگاه ربوبیت به مرتبه‌ی قبول رسانند، حضرت واقف السرايري را زیباست که لباس سعادت اساس / 4 توفیق به اندام فیروزبختان دوخته، و چراغ تأیید یافتگان را به روغن ملاطفت خو، افروخته؛ چمن احوال ارباب سداد را به منصه‌ی خرمی رسانیده و گلشن حال اهل فلاح را از نسایم الطاف به نظارت مقرون گردانیده؛ آفتاب مکرمت خود را / 5 برتوافکن اهل توفیق نموده؛ و ماه مرحمت خویش را از جیب احوال اصحاب تأیید، طالع فرموده؛ مفتاح ابواب سعادت سرمديه را به کف کفایت ایشان نهاده و کلید فیوضات غیبیه را به ید آنها داده؛ گلبرگ تری از شبنم احسانش تازه / 6 و عندلیب چمن از بهار پیرایه مکرمتش خوش‌آوازه است. ثور، گاو کاری است از مزرع قدرتش. سنبله، خوشه‌ای از خرمن حکمتش. چرخ پیر در مزرعه‌ی بندگی‌اش دهقان کهن اساس؛ و ماه نو در دست زارعان صنعش داس، از رود / 7 دل روشن ضمیران، آب زلال حکمت

به اراضی معرفت جریان داده، و از چشم چشمه‌ساران، آبهای فراوان گشاده؛

مر او را رسد کبریا و منی

که ملکش قدیم است و ذاتش غنی

چون ز وجودش کرم آباد شد

بند وجود از عدم آزاد شد

در هوس این دو سه ویرانه ده

کار فلک بوده گره بر گره

تا نگشود این کرم وهم‌سوز

زلف شب ایمن نشد از دست روز

جل جلاله و عم نواله. و مزارع درود خجسته ورود، وقف بارگاه جلال رسول بی‌همالی است / 8 که کاخ ایمان به دعایم رسالت او برپاست؛ و اساس اسلام به قوت نبوت او برجا. با رفعت مکانش، عرش، پست‌ترین پایه و باعلو شأنش، کیوان، خاک نشین بند بی‌مایه. (والشمس والضحي) حسن‌آبادی از حسن جمالش / 9.

(و ينصرک الله نصرًا عزيزًا) ناصرآبادی از مملکت اقبالش.

ای شرف مظهر روح‌الامین

عرش ز اقبال تو کرسی نشین

مکه ز فیض نظرت یافت زیب

طیبه ز گرد قدمت یافت طیب

چشمه‌ی زمزم نمکین از تو شد

/ 10 کنیت جبریل امین از تو شد

فیض سحر، نکهت صحرائی تو

زهره، عمارتی کش زهرای تو

ملک دلم همچو فدک مال اوست

تاج سرم خاک ره آل اوست.

و صلات صلوات بر آل طیبین و ذریه‌ی طاهرین او باد / 11. که ملک امامت، وقف آن اولاد است و ولایت ولایت ملک. موروثی آن عترت امجاد؛ خصوصاً امام والامقامی که ریاحین محبت او در دلها تا روز نشور حضرت ده جانهاست، و آب حیات مودتش در حدایق قلوب، جانبخش روانها. / 12. ارقام دقیق حقایق در دفاتر اوراق نگاشته‌ی اوست، و بذور معارف و عوارف در دلها کاشته‌ی او؛ بوستان شرع دین به آبیاری میراب ارشاد او خرم‌آباد است و گلشن ملت حنیفه‌ی اسلامیة از رشحات سبحان افادات او / 13 چون گلستان ارم بنیاد؛ صلوات الله علیهم اجمعین.

و بعد از حمد الهی و درود حضرت رسالت پناهی - صلی الله علیه و آله - بر عاقل بصیر و هوشمند خبیر، پوشیده نیست که معمار ازل، کالبد بشر را بی‌نیات / 14 ریخته و خالق انس و جان، وجود ایشان را از اجزای متضاده به هم آمیخته؛ همه کس را لباس حیات به عاریت داده‌اند و منشور عمر هر فردی را طغرای اجلی در عنوان نهاده‌اند؛ افاصلی و ادانی چون موج آب همگی در بحر فنا غوطه‌ورند / 15 و وضع و شریفی جملگی بالمآل خاک و خاکسترند. سلطنت و پادشاهی، منع نزول قضا نمی‌نماید و حکومت و سرداری به سرداری تیغ قدر، بال همت نمی‌گشاید. در این عبرت‌سرا زخارف دنیا موج سراب و نقش بر آب است.

/ 16 لهذا سبب از تحریر این کلمات شرعیة المقدمات، آن است که در تاریخ ذیل کتاب، عالی جاهان رفیع و منیع جایگاهان عظمت و حشمت دستگهان ابهت و جلالت ابتناهان بسالت و نبالت انتماهان فتوت و مروت همراهان / 17 جامعان مکارم دنیوی و اخروی و حاویان محاسن صوری و معنوی، کامل نصابان سعادات یزدانی و صاحب نصیبان توفیقات دو جهانی، امیرالامراء العظامان، مقرران الحضرت العلیة العالیة و معتمدان الدولة البهیة من الافات والبلیات - خلف الصدقان مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه، متکی ارایک جنان، بهرام قلبی بیگ قاجار قزوین / 19 خواهشمند وفقیت املاک و مزارعاتی که در بلده‌ی چخور سعد ایروان برخی را مجدداً احداث و احیا و بعضی را به موافق شرع شریف غرا ابتیاع کرده بودند و بلانزاع و مساهمت غیر در تصرف داشتند، بوده بنا بر استشار و استصواب امنای شرع، / 20 قربتا الی الله و طلباً لمرضاته، وقف مؤید و حبس مخلص صحیح شرعی نمودند، تمامی و همگی و جملگی یک دانگ از جمله‌ی شش دانگ از کل قرای مفصله‌ی ذیل را با جمیع توابع و کافه‌ی لواحق از اراضی و صحاری آبی و دیمی، بحیث لایستثنی منها شیء به عتبه‌ی علیه و مشهد مقدس جناب خامس آل عبا.

از جمله‌ی املاک واقعه در بلوک سورملو که حدود همگی در تفصیل ذیل مشخص و معین می‌گردد:

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی حاجی‌آباد مشهور به داش بورون یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی سرهنگ آباد یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به جنت‌آباد مشهور به پروانه یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی سیلمان آباد مشهور به دیزج یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به علی‌آباد علیا مشهور به علی خان یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به علی‌آباد سفلی مشهور به نظرعلی قشلابی یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به حسن‌آباد مشهور به داش قراقوینلو یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به نظرآباد مشهور به داش مسیوکلو یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به کمال‌آباد که من جمله‌ی منضمات نظرآباد است یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به نظام‌آباد مشهور به میرزا چوبوقچی یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به فیض‌آباد که من جمله‌ی منضمات تاش مسیوکلوست یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به شریف‌آباد مشهور به مسیوکلو یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به ناصرآباد مشهور به قوشچی یک دانگ.

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی مدعوه به کلی چه یک دانگ.

از جمله‌ی املاک ابتیاعی واقعه در بلوک کرنی وادی که مدار زراعت ایشان از ارس مشروب می‌شود:

از جمله‌ی 6 دانگ قریه‌ی سردارآباد مشهور به قمشلو یک دانگ.

پی نوشت :

- 1- نام پدر واقفان در منابع تاریخی دوره‌ی قاجار و نیز در سند شماره لوله‌ی 148 بایگانی مرکزی سازمان اوقاف به صورت محمدخان سردار ابروانی آمده است.
- 2- بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، 1371، ج 1، صص 329-332.
- 3- همان، صص 401-404.
- 4- طباطبایی مجد، غلامرضا، معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره‌ی قاجار، تهران، بنیاد موقوفات افشار، 1373، ص 133.
- 5- انصاری قمی، محمدرضا، «موقوفات ایرانیان در عراق، بخش سوم، کربلا» وقف، میراث جاویدان، ش 7، پاییز 1373، ص 82.
- 6- گلریز، سید محمدعلی، مینودر یا باب الجنه‌ی قزوین، تهران، دانشگاه تهران، 1337، ص 278.
- 7- همان، ص 279.
- 8- معتمدی، محسن، «آب تهران، تاریخچه، مشکلات و راه‌حل‌ها»، مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال چهارم، ش 1، شهریور 1369، ص 54.
- 9- گلریز، همان، صص 565-571.
- 10- انوار، عبدالله، «باغ سردار» کتاب تهران، ج 1، تهران، روشنگران، 1370، ص 36.

منبع: میراث جاویدان

---

[معرفی سایت مرتبط با این مقاله](#)

[تصاویر زیبا و مرتبط با این مقاله](#)